

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۹۵/۱۱/۴

نقد و بررسی آیات استدلال شده بر عدالت تمام صحابه (۳)

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله

بحث ما در رابطه با آیاتی از قرآن بود که اهل سنت بر عدالت صحابه استدلال کرده بودند، دو آیه را در

این زمینه مطرح کردیم:

«من الآيات آلتى استدل بها على عدالة الصحابة قوله تعالى: (كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ)»

در این رابطه توضیح دادند که خیریت مطلقه را برای این امت اثبات کرده است.

«و أول من دخل فى هذه الخيرية المخاطبون بهذه الآية مباشرة عند النزول و هم الصحابة و ذلك

يقتضى عدالتهم»

ما از این استدلال به این آیه جواب دادیم که اجمالش چنین است:

جواب اول:

«الخطاب غير موجه للأفراد فردا فردا بل المقصود أنّ الأمة بمجموعها هي أفضل الأمم»

جواب دوم:

«لو كانت الآية تشمل للأفراد فيلزم القول بعدالة جميع أفراد الأمة»

جواب سوم:

«الأفضلية مشروطة على الشرطين فاذا انتفى أحدهما انتفى الأفضلية. كون الأمة أفضل الأمم و لن تطلق

و هذان الشرطان الأمر بالمعروف و النهي عن المنكر و الإيمان بالله»

سومین آیه برای اثبات عدالت صحابه

در مورد آیه سوم بیان شده است:

«كيف أستدل على عدالة الصحابة بقوله تعالى: (وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الَّذِينَ

أَوْوَا وَ نَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا)»

می گویند:

«وصف الله لهم بالإيمان حقا و هو يدل على اعلى مرتبة العدالة»

در مقام توضیح این استدلال می گوئیم:

(وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الَّذِينَ أَوْوَا وَ نَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا)

و کسانی که ایمان آورده و مهاجرت کرده و در راه خدا جهاد نمودند و کسانی که (از اهل مدینه به

مهاجرین) منزل داده و یاری کردند آنها به حقیقت اهل ایمان اند.

سوره انفال (۸): آیه ۷۴

خداوند متعال در این آیه عموم مهاجرین و انصار را به ایمان به حق توصیف کرده است و فرموده است که این

افراد حقیقتاً مؤمن هستند.

«و من شهد الله له بهذه الشهادة فقد بلغ اعلى مرتبة العدالة»

عدالت این افراد هم به تأیید الله رسیده است. و به قول آقای «دکتر طیب» عدالت صحابه از فوق هفت آسمان نازل شده است!!

جواب از استدلال فوق

جواب ما این است:

«الآية ناظرة إلى السابقين من المهاجرين و الأنصار الذين آووا و نصرُوا و لم يكن ناظرًا الى كل فرد من الصحابة»

قرآن کریم می‌فرماید:

(وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ)

مهاجرین کسانی هستند که ایمان آوردند، هجرت کردند و در راه خداوند متعال جهاد کردند.

(وَ الَّذِينَ آوُوا وَ نَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا)

انصار کسانی هستند که به مهاجرین پناه دادند و پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) را یاری کردند.

سوره انفال (۸): آیه ۷۴

این آیه شریفه خطاب به کسانی است که ایمان آوردند و هجرت کردند. این آیه شامل کسانی که ایمان آوردند و هجرت نکردند، ایمان آوردند و هجرت کردند اما جهاد نکردند، کسانی که به مردم پناه ندادند و یا پیغمبر اکرم را یاری نکردند؛ نخواهد شد.

ما از میان صحابه نسبت به کسانی که هجرت کردند و پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) را یاری کردند هیچ شک و ریبی نداریم، به آن‌ها ثناء می‌گوییم و به قول «شیخ طوسی» از آن‌ها انتظار شفاعت داریم؛ همانطور که از رسول گرامی اسلام انتظار شفاعت داریم.

آنچه مهم است، این است که آیا این آیه شامل تمام صحابه می‌شود یا تنها شامل بخشی از صحابه می‌شود؟! ادعای شما عدالت جمیع صحابه است، ولی دلیل شما خاص است و تنها شامل مهاجرین و مجاهدین می‌شود. بنابراین دلیل شما با ادعای شما هیچگونه انطباقی ندارد.

شما یک دلیلی بیاورید که خداوند عالم فرموده باشد: «کل من صحب رسول الله فهو عادل، فهو المؤمن حقا» اگر چنین آیه‌ای برای ما آوردید، ما تابع حرف شما می‌شویم؛ زیرا: «نحن ابناء الدلیل»

در مقابل؛ توسط همین صحابه فتنه‌هایی ایجاد شده است و مخالفت‌هایی با رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) داشتند، میان صحابه درگیری‌هایی وجود داشته است، همدیگر را تکذیب کردند، نسبت به یکدیگر تکفیر کردند.

در میان همین مهاجرین و انصاری وجود داشتند که به طور کلی مرتد شدند و از اسلام بیرون رفتند. این موارد، مسائل پیش پا افتاده‌ای نیست. در این خصوص کار به جایی رسیده است که «محمد بن عبدالوهاب» می‌گوید: "اگر ما مسلمانان را در اینجا تکفیر می‌کنیم به این جهت است که در زمان پیغمبر اکرم هم صحابه‌ای بودند که ایمان آوردند، با پیغمبر اکرم بودند، نماز خواندند، حج رفتند و موحد بودند که خداوند متعال آن‌ها را هم تکفیر کرده است."

در کتاب «کشف الشبهات» اثر «محمد بن عبدالوهاب» است که آیه‌ای از سوره مبارکه توبه را بیان می‌کند:

(يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَ لَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَ كَفَرُوا بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ)

به خدا سوگند می‌خورند که (چیزی) نگفته‌اند و حال آنکه کلمه کفر را بزبان راندند و بعد از اسلامشان کافر شدند.

سوره توبه (۹): آیه ۷۴

آیا این آیه شریفه شامل مهاجرین و انصار هم می‌شود یا نمی‌شود؟! مخاطب اولیه همان افراد هستند؛ در حقیقت مخاطب واقعی آن‌ها هستند و این آیه شریفه شامل بعدی‌ها نیست.

سپس می‌گوید:

«أما سمعت الله كفرهم بكلمة»

آیا نمی‌شنوی که خداوند آن‌ها را تکفیر کرده است.

آن‌ها گفتند (يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا) و به خداوند متعال قسم خوردند. قسم خوردن آن‌ها به خداوند متعال کلمه کفر بوده است. خداوند متعال آن‌ها را تکفیر کرده است با کلمه‌ای که:

«مع كونهم في زمن رسول الله - صلى الله عليه وسلم - ويجاهدون معه ويصلون و يزكون و يحجون و

يوجدون»

مطالب بیانگر این است که آیه در مورد موحدین بیان شده است. همچنین خداوند متعال در آیه ۶۵ می‌فرماید:

(وَلَيْنَ سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَ نَلْعَبُ قُلْ أ بِاللَّهِ وَ آيَاتِهِ وَ رَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِؤُنَ)

و اگر از ایشان بپرسی (که داشتید چه می‌کردید) بطور مسلم خواهند گفت داشتیم تفریح و بازی می‌کردیم، بگو آیا خدا و آیات و رسول او را مسخره می‌کنید.

سوره توبه (۹): آیه ۶۵

قرآن کریم در ادامه می‌فرماید:

(لَا تَعْتَدِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ)

عذر نیاورید، که بعد از ایمانتان کافر شدید.

سوره توبه (۹): آیه ۶۶

این آیه مربوط به مسلمانان و کسانی است که قلبا ایمان آوردند.

(قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَ لَكِن قُولُوا أَسْلَمْنَا وَ لَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ)

اعراب بادیه‌نشین به تو گفتند ایمان آوردیم. بگو: نه، هنوز ایمان نیاورده‌اید و باید بگویید اسلام آوردیم چون هنوز ایمان در دل‌های شما داخل نشده.

سوره حجرات (۴۹): آیه ۱۴

فرق میان اسلام و ایمان این است که اسلام اظهار شهادتین بر زبان است، اما ایمان اقرار قلبی به شهادتین است. خداوند عالم هم در اینجا می‌فرماید:

(قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ)

سپس «محمد بن عبدالوهاب» این نطفه شیطان، می‌گوید:

«فهؤلاء الذين صرح الله فيهم أنهم كفروا بعد إيمانهم وهم مع رسول الله - صلى الله عليه وسلم - في

غزوة تبوك قالوا كلمة ذكروا أنهم قالوها على وجه المزح»

سپس می‌گوید:

«فتأمل هذه الشبهة»

این ایرادی است که مسلمانان به من می‌گیرند.

«وهی قولهم تكفرون من المسلمين أناسا يشهدون أن (لا إله إلا الله) ويصلون ويصومون»

به من می‌گویند که تو از میان مسلمانان کسانی که شهادت به وحدانیت خداوند می‌دهند، نماز می‌خوانند

و روزه می‌گیرند را تکفیر می‌کنی

«ثم تأمل جوابها»

خداوند عالم جواب شبهه آنها نسبت به من را داده است.

«فإنه من أنفع ما في هذه الأوراق»

این مطلب، پرمفعت‌ترین مطلبی است که در این کتاب نوشتم.

«ومن الدليل على ذلك أيضا»

دلیل من این است که تکفیر من نسبت به مسلمانان برگرفته از قرآن کریم است.

دلیل آن هم این است:

«ما حكى الله عن بني إسرائيل مع إسلامهم وعلمهم وصلاتهم، أنهم قالوا لموسى: اجعل لنا إلهًا كما لهم

آلهة»

حضرت موسی به قوم بنی اسرائیل معجزات زیادی از جمله نزول مائده از آسمان، عبور از رود نیل و غرق شدن

فرعون نشان داد؛ با تمام این احوالات زمانی که به آن طرف رسیدند مشاهده کردند که عده‌ای مشغول بت

پرستی هستند. قوم بنی اسرائیل با مشاهده این افراد دست به دامن حضرت موسی شدند و به آن حضرت عرضه داشتند:

(یا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ)

ای موسی برای ما نیز خدایی بساز، چنان که ایشان خدایانی دارند.

سوره اعراف (۷): آیه ۱۳۸

«محمد بن عبدالوهاب» در ادامه می‌گوید:

«وقول أناس من الصحابة: «اجعل لنا ذات أنواط»

در یکی از مسافرت‌ها دیدند که یک سری از مشرکین شاخه‌های درختی را می‌پرستند به پیغمبر گفتند: برای ما هم شاخه درختی درست کن تا ما هم بپرستیم.

«فحلف النبي - صلى الله عليه وسلم - أن هذا نظير قول بني إسرائيل، اجعل لنا إلهًا»

کشف الشبهات، المؤلف: محمد بن عبد الوهاب بن سليمان التميمي النجدي (المتوفى: ۱۲۰۶ هـ)،
الناشر: وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد - المملكة العربية السعودية، الطبعة: الأولى،
۱۴۱۸ هـ، ج ۱، ص ۴۲، الفصل الثاني عشر

این هم استدلال «محمد بن عبدالوهاب» است!! شما که می‌گویید:

«(وَالَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الَّذِينَ آوُوا وَ تَصَرُّوا) دليل على «والصحابه كلهم

عدول» و تعديلهم بتعديل الله نزل من فوق سبع سماوات»

جواب شما را «محمد بن عبدالوهاب» اینچنین می‌دهد!!

پرسش:

اکثر عامه که «محمد بن عبدالوهاب» را قبول ندارند که بخواهیم با ایشان صحبت کنیم و جوابشان را بدهیم.

پاسخ:

اولاً در حال حاضر گروهی از اهل سنت «محمد بن عبدالوهاب» را به عنوان شخصی آزاد فکر و اصلاح‌گر قبول دارند.

پرسش:

عده دیگری هم او را تکفیر می‌کنند.

پاسخ:

نه او را تکفیر نمی‌کنند. ما کسی را سراغ نداریم که بگوید «محمد بن عبدالوهاب» کافر است. بنده نشنیدم اهل سنت نسبت به «محمد بن عبدالوهاب» کلمه کافر را اطلاق کنند، اما در مورد او «ضال»، «مضل» و «یترفصون [فیه الإلحاد](#)» به کار می‌برند.

مشاهده کنید که «ابن تیمیه» هم در این زمینه مطلبی را بیان کرده است. او می‌گوید:

«وَمِنْ أَسْبَابِ الشُّرْكِ بِاللَّهِ تَعَالَى، {وَقَدْ كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ شَجَرَةٌ يَعْلُقُونَ بِهَا أَسْلِحَتَهُمْ يَسْمُونَهَا ذَاتَ أَنْوَاطٍ
فَقَالَ بَعْضُ النَّاسِ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، اجْعَلْ لَنَا ذَاتَ أَنْوَاطٍ، كَمَا لَهُمْ ذَاتُ أَنْوَاطٍ. فَقَالَ: اللَّهُ أَكْبَرُ، قُلْتُمْ كَمَا قَالَ
قَوْمُ مُوسَى لِمُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ،»

الفتاوى الكبرى، المؤلف: تقى الدين أبو العباس أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني (المتوفى: ٧٢٨ هـ)، المحقق: محمد عبدالقادر عطا - مصطفى عبدالقادر عطا، الناشر: دار الكتب العلمية، الطبعة: الطبعة الأولى ١٤٠٨ هـ - ١٩٨٧ م، ج ٢، ص ٤٤١، ح ٣٣٠

ما كاری نداریم، زیرا «لا تنظروا الى من قال، انظروا الى ما قال» حرفی كه «محمد بن عبدالوهاب» و «ابن تيميه» میزند به خوبی نشانگر مسائل هست.

حال كه بحث به اینجا رسید، مشاهده کنید در كتاب «منهاج السنة النبوية» اثر «ابن تيميه» جلد هفتم صفحه ١٣٧ وارد شده است:

«فان كثيرا من الصحابة و التابعين كانوا يبغضونه»

عده زیادی از صحابه و تابعین علی را دشمن می دانستند و بغض او را داشتند.

«و يسبونه و يقاتلونه»

آن ها علی را سب می کردند و با او قتال می کردند.

منهاج السنة النبوية، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس، دار النشر: مؤسسة

قرطبة - ١٤٠٦، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. محمد رشاد سالم، ج ٧، ص ١٣٧

«مسند احمد بن حنبل» هم نقل می کند:

«من سَبَّ عَلِيًّا فَقَدْ سَبَّنِي»

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة قرطبة

- مصر، ج ٦، ص ٣٢٣، ح ٢٦٧٩١

«حاکم نیشابوری» و «ذهبی» در مورد این روایت گفتند که این روایت صحیح است. چون سب امیرالمؤمنین سب پیغمبر است؛ پس: «کثیر من الصحابة يسبون رسول الله»؛ باید بگوئیم چشممان روشن!!

همچنین در کتاب «صحیح مسلم» وارد شده است:

«قال على والذى فلق الحبة وبرأ النسمة إنه لعهدُ النبي الأُمى إلى أن لا يحببني إلا مؤمنٌ ولا يبغضني إلا

مُنافقٌ»

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء

التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ١، ص ٨٦، ح ٧٨

بنابراین باید بگوئیم که «کثیر من الصحابة يبغضون عليا فهم كلهم منافقون»!! بحث، بحث روشن و واضحی است. ما نمی‌گوییم که «علامه حلی» و «علامه مجلسی» چنین حرفی را زده است و اصلاً کاری با آن‌ها نداریم.

به قول آیت الله العظمی شبیری زنجانی آیا کسانی که در جنگ جمل و صفین با حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) به قتال پرداختند، همگی بر این عقیده بودند که امیرالمؤمنین اهل بهشت است و می‌خواستند علی را بکشند تا زودتر به بهشت بروند؟! یا نه؛ از روی بغض و کینه به جنگ با حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) پرداختند.

«طلحه»، «زبیر»، «عایشه» و تعداد بسیاری از صحابه هم در این جنگ حضور داشتند. آیا همه این افراد عجله داشتند که این علی اهل بهشت است و نباید در دنیا بماند؟!

البته شاید بیان نشده باشد که این افراد به صراحت بگویند که ما دشمن حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) هستیم، اما زمانی که سب امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) رسم می‌شود صحابه و غیر صحابه آن حضرت را سب می‌کردند.

آیا سب حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) مصداق بارز بغض نسبت به این بزرگوار هست یا نه؟! طبق عمل بسیاری از صحابه و تابعین سب حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) به سنت تبدیل شده بود.

پرسش:

علت سب حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) چه چیزی بوده است؟!

پاسخ:

علت آن همین روایت «**مَنْ سَبَّ عَلِيًّا فَقَدْ سَبَّنِي**» بود. بنی امیه از رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) کینه داشتند، اما نمی‌توانستند آشکارا آن را بیان کنند. می‌آمدند امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) که سب او سب رسول الله است، را سب می‌کردند. آن‌ها تصمیم گرفتند که داماد رسول گرامی اسلام را تحقیر کنند تا مردم خیال کنند که پیغمبر اکرم داماد، خلیفه و پسرعموی بدی داشته است!!

یکی از اهداف آن‌ها خالی کردن عقده خودشان نسبت به رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) بوده است. عقده دوم آن‌ها این بود که می‌دانستند که حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) به حق هست. اگر فضائل حضرت مطرح شود، پایه‌های حکومتی آن‌ها متزلزل می‌شود.

لذا بنی امیه در میان مردم مطالبی علیه امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) مطرح کردند مبنی بر اینکه علی بن ابی طالب نه تنها مستحق خلافت نیست، بلکه مستحق سب و لعن هم هست!

آن‌ها می‌خواستند با این وسیله بغض حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را در دل‌ها بکارند تا کسی در دلش نگذراند که امیرالمؤمنین افضل امت هستند.

لذا در جواب از آیه ای که می‌فرماید:

(وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الَّذِينَ آوُوا وَ نَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا)

عقل می‌گوید که مردم باید هجرت کنند و جهاد کنند، زیرا قرآن کریم می‌فرماید:

(لَمْ يَهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ يَهَاجِرُوا)

کسانی که ایمان آوردند (ولی) مهاجرت نکردند میان شما و ایشان ولایت ارث نیست تا آنکه مهاجرت کنند.

سوره انفال (۸): آیه ۷۲

و استدلال شده است برای عدالت جمیع صحابه؛ عرض می‌کنیم که:

«آیات الهجرة قیدت بكونها لله و في سبيل الله»

اولین جواب این است:

(وَ مَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَ رَسُولِهِ)

و کسی که هجرت‌کنان از خانه خویش به سوی خدا و رسولش درآید.

سوره نساء (۴): آیه ۱۰۰

طبق این آیه شریفه هجرت باید الی الله باشد. همچنین:

(وَ الَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ)

و کسانی که در راه خدا هجرت کرده.

سوره حج (۲۲): آیه ۵۸

در اینجا هجرت شامل تمام اقسام هجرت نیست، بلکه هجرتی که فی سبیل الله باشد. در قرآن کریم وارد شده است که حضرت لوط خطاب به قوم خود فرمود:

(إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَى رَبِّي)

من به سوی پروردگارم از شما دوری می‌جویم.

سوره عنکبوت (۲۹): آیه ۲۶

از طرف دیگر آیه دیگری وارد شده است که خیلی جالب است. در قرآن کریم وارد شده است:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمْ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَاْمْتَحِنُوهُنَّ)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید زنانی که به عنوان اسلام و ایمان (از دیار خود) هجرت کرده.

مشاهده کنید که قرآن کریم می‌فرماید ببینید مهاجرت این افراد به خاطر خدا بوده است، یا به خاطر منافع دنیوی بوده است!! اگر مجرد هجرت ملاک افضلیت باشد، **(فَاْمْتَحِنُوهُنَّ)** چه معنایی دارد؟! بنابراین معلوم است که تمام هجرت دلیل بر فضیلت نیست.

(اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ)

و به سوی شما آمدند خدا (به صدق و کذب) ایمانشان دانتر است شما از آنها تحقیق کرده و امتحانشان کنید.

سوره ممتحنه (۶۰): آیه ۱۰

و روایات زیادی هم در این زمینه داریم. در کتاب «صحیح بخاری» وارد شده است:

«الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّةِ وَلِكُلِّ أَمْرٍ مَا نَوَى»

یکی از روایاتی که قطعاً متواتر است، همین روایت است.

«فَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ فَهَاجَرَتْهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ لِدُنْيَا يُصِيبُهَا أَوْ امْرَأَةً

يَتَزَوَّجُهَا فَهَاجَرَتْهُ إِلَى مَا هَاجَرَ إِلَيْهِ»

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار

ابن كثير، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ١، ص ٣٠،

ح ٥٤

قرآن کریم به صراحت می‌فرماید: زنانی که هجرت کردند را امتحان کنید. اگر مجرد هجرت دلیل بر افضلیت باشد، دیگر هجرت کردن معنا ندارد. قرآن کریم در ادامه آیه‌ای که ما خواندیم می‌فرماید:

(قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ)

عذر نیاورید، که بعد از ایمانتان کافر شدید.

سوره توبه (٩): آیه ٦٦

خطاب به همان مهاجرین و انصار است، خطاب به تابعین و اتباع تابعین که نیست. در حقیقت «قضیه فی موقعة و تخصص الآیه بالمورد» در او هیچ شک و شبهه‌ای نیست. این مورد از مواردی است که شما در آن نمی‌توانید القاء خصوصیت و تنقیح مناط کنید.

زمانی که شما یک مورد از زیر عام خارج کردید، کمر عام شکست. دیگر در الباقی حجت نیست، الا اینکه دلیل آن ثابت شود. اگر یک مورد از عام بیرون رفت، در مابقی اگر دلیل آوردید ما هم قبول داریم. ما می‌گوییم:

«كل من ثبت انه مهاجر الى الله، كل من ثبت انه جاهدوا في سبيل الله، نحن نتوقع منهم الشفاعة»

اصلا ما برای آنها فوق عدالت قائل هستیم؛ اما بحث سر این است که آنها معتقدند ۱۲۰ هزار صحابه همگی عادل هستند. شما این مطلب را اثبات کنید، زیرا خیلی مهم است.

بنابراین ادعا یک شیئی است، حال آنکه دلیل شیئی دیگر است. ما نواقض این مسائل را بحث می‌کنیم و به صورت موردی نقض می‌کنیم.

در پایان فصلی باز می‌کنیم که تمام ادله را به صورت یک جا زیر سؤال می‌برد. تمام آیاتی که آنها آورده‌اند با آیات دیگر نقض می‌شود.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته